

اثر بخشی آموزش فلسفه برای کودک (فبک) بر افزایش واژگان زبان انگلیسی دانش آموزان

هما ایمانی^۱

قدسی احقر^۲

مریم سیف نراقی^۳

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۴/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۱۴

چکیده

هدف این پژوهش تعیین اثربخشی آموزش فلسفه برای کودکان (فبک) بر افزایش واژگان زبان انگلیسی دانش آموزان پایه اول دبیرستان دبیرستان دخترانه منطقه ۵ شهر تهران بود. حجم نمونه طبق فرمول کوکران ۶۰ نفر با روش نمونه گیری چند مرحله ای تعیین شد. جمع آوری داده ها با آزمون واژگان پت و آموزش فلسفه برای کودک طی ۱۰ جلسه هر جلسه ۹۰ دقیقه انجام پذیرفت. پژوهش نیمه تجربی از نوع پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل و دارای مرحله پی گیری است. جهت تحلیل داده ها از آزمون تحلیل واریانس بین گروهی و تی وابسته استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که واژگان انگلیسی دانش آموزانی که آموزش فلسفه برای کودک را دریافت کرده اند بطور معنی داری بالاتر از دانش آموزانی است که این آموزش را دریافت نکرده اند، بنابراین اجرای رویکرد آموزش فلسفه برای کودک، واژگان انگلیسی دانش آموزان را افزایش داده و در طول زمان از پایداری مناسبی نیز برخوردار است.

کلیدواژه ها: آموزش فلسفه برای کودک (فبک)، واژگان، خواندن، زبان انگلیسی

^۱ دانشجوی دکتری گروه فلسفه تعلیم و تربیت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ دانشیار رشته برنامه ریزی درسی، وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه ریزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) ahghar2004@yahoo.com

^۳ استاد گروه روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مقدمه

جهان امروز به یک جامعه جهانی تبدیل شده است که برای تداوم بقا در آن نیاز به دانستن بیش از یک زبان به شدت حس می‌شود. در بین زبان‌های متعدد موجود، زبان انگلیسی در زمره پر مخاطب‌ترین آنها محسوب می‌شود که بنا به ضرورت‌های ارتباطات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از سوی بسیاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. جهانی شدن زبان انگلیسی سبب رونق چشمگیر آموزش این زبان در کشورها شده است. همچنین زبان انگلیسی به عنوان یک زبان بین‌المللی در جهان شناخته شده است و همین موضوع سبب انتخاب این زبان به عنوان زبان خارجی یا زبان دوم در برنامه درسی مدارس کشورها شده است. ارزش و توجهی که در کشورهای مختلف به درس زبان انگلیسی داده می‌شود نشان دهنده اهمیت و ضرورت این درس برای معلمین و دانش‌آموزان است. نتایج آزمون بین‌المللی پرلز در رابطه با پیشرفت سواد خواندن در دانش‌آموزان نشان داد که براساس این آزمون ایران در سال ۲۰۰۱ رتبه ۳۲ را از بین ۳۵ کشور به دست آورد و در سال ۲۰۰۶ در بین ۴۵ کشور، رتبه ۴۰ را کسب کرده است و در سال ۲۰۱۱، همین رتبه را از بین کشورهای شرکت‌کننده بدست آورده است (پژوهشگاه تعلیم و تربیت، ۱۳۹۱). در شرایط کنونی اغلب دانش‌آموزان به رغم شرکت در کلاس‌های آموزشی خارج از مدرسه، درس زبان انگلیسی درسی دشوار برای آنها محسوب می‌شود. آن‌ها روش صحیح و اصولی یادگیری زبان انگلیسی را نمی‌دانند. در تحلیل سوال‌های آزمون کنکور سراسری در ایران در درس زبان انگلیسی بیانگر آن است که تقریباً ۶۰٪ از مباحث آزمون مربوط به مطالب مفهومی، مهارتی و واژگان است که دانش‌آموزان در این زمینه ضعف دارند و همچنین دامنه واژگان آنها محدود است (سازمان سنجش، ۱۳۹۳). عدم علاقه نوجوانان به خواندن ناشی از عدم فهم متون، سبب افت عملکرد دانش‌آموزان در این زمینه است (رشتچی، ۲۰۱۲).

در آمار منتشر شده از سوی سازمان سنجش در زمینه میانگین برترین و کمترین درصد اکتسابی رتبه‌های زیر ۲۰۰ کشوری، کمترین درصد درس زبان انگلیسی این گروه ۸٪ اعلام شده است (سازمان سنجش، ۱۳۹۳). خواندن یکی از مهمترین ابزارهای ایجاد ارتباط و وسیله کسب اطلاعات در زمینه‌های مختلف است که در این بین، فراگیری و آموزش واژگان نوشتاری فرایندی بسیار پیچیده است. به رغم اهمیت خواندن و توجه محققان به آن در زمینه فرآیند واژگان انگلیسی به عنوان زبان خارجی و روش‌های نوین آموزش آن در کشور ایران کمتر در این زمینه پژوهش سطح بالایی انجام شده است. توجه به جهت‌گیری رویکرد زبان خارجی در ایران از منفعل و سنتی به

رویکرد ارتباطی فعال و خود باورانه و با عنایت به انتخاب و سازماندهی محتوای این حوزه به سمت کارکردهای فرهنگی، علمی در سطوح بالاتر نیز آموزش‌ها متناسب با متون آموزشی خواهد بود(علوی مقدم، ۱۳۹۲). اجرای فلسفه برای کودکان می‌تواند به عنوان یک رویکرد در برنامه درسی که در آن دانش آموزان در یک محیط مشارکتی از طریق خواندن داستان‌های فلسفی و گفت و گو باهم به تعامل می‌پردازند، مفید واقع شود، گرچه شاید هدف اصلی در این برنامه آموزش زبان دوم نباشد اما این رویکرد در حقیقت امکان جدی برای ارائه راهکارهای نوین در یادگیری و تدریس زبان بیان می‌کند. فلسفه برای کودکان بعنوان یک رویکرد آموزشی و تربیتی می‌تواند بر مهارت‌های بنیادی خواندن، نوشتن، سخن گفتن و گوش دادن از طریق تقویت قدرت استدلال و داوری تاکید کند و هرگاه این کار انجام شود دانش آموزان می‌توانند به تامل برمتون برنامه درسی خود بپردازند. در سند تحول بنیادین نیز بر تقویت فرهنگ پرسشگری و پژوهش در بین متریبان و مشارکت تربیت متریبی پژوهنده تاکید شده است(مبانی نظری سند تحول بنیادین تعلیم و تربیت، ۱۳۹۱).

یکی از مهمترین مهارت‌های خواندن توانایی خواندن واژگان و تفسیر و استنباط است که سبب دسترسی وی به منابع آموزشی و علمی بیشتر خواهد شد. واژگان خواندن فرایندی است که در آن خواننده از طریق تعامل و مواجهه با یک زبان نوشتاری، به طور هم زمان، معنی را استخراج می‌کند و شکل می‌دهد(اسنو، ۲۰۰۲). در فرایند درک دانش زمینه خواننده و محتوای متن بر یکدیگر اثر می‌گذارند. لازم به ذکر است از جمله عواملی که با دانش خواننده ارتباط متقابل دارند می‌توان به بار واژگانی متن، ساختار زبانی، سبک کلامی و نیز نثر آن را نام برد. واژگان شامل اطلاق معنی به اطلاعات مکتوب و به کاربردن این اطلاعات برای یک هدف خاص است. درک موفق مستلزم فهم مفهومی، مهارت‌های پایه ی خودکار شده و به کار بردن اثربخش راهبردهاست(کریمی، ۱۳۹۳). خواندن واژگان یا همان درک خوانداری دارای سه جزء اصلی است. این اجزای درک خوانداری عبارتند از: خواننده، متن و خواندن. واژگان تحت تاثیر زمینه و بافت خواندن قرار دارد فعالیت خواندن شامل: اهداف، فرآیند و نتایج حاصل از خواندن است که درک متن نیز بخشی از آن است. نقش متن مورد استفاده و فعالیتی که فرد درگیر آن است نیز در این فرآیند موثر است.

خواننده عمل درک را با توجه به ظرفیت، توانایی‌ها، دانش و تجربه شخصی انجام میدهد. این ظرفیت همان ظرفیت شناختی است، مانند: دقت، حافظه، توانایی، تحلیل انتقادی و استنباط و دانش نیز در برگیرنده کلیه دانش واژگانی، زمینه ای و موضوعی، دانش زبانی و کلامی، دانش در زمینه

استراتژی‌های ویژه درک است و منظور از متن نیز متنی است که باید درک شود. تفسیر به معنای درک و بیان مفهوم طیف گسترده‌ای از تجربیات، موقعیت‌ها، داده‌ها، حوادث، قضاوت‌ها، عرف‌ها، باورها و قواعد است اما به طور کلی می‌توان گفت که تفسیر فرایند درک و بیان ضابطه‌هاست و شامل مهارت‌های فرعی مانند: دسته بندی، رمزگشایی مفاهیم، شفاف سازی معانی است.

یکی از موفق‌ترین تلاش‌ها در زمینه تغییر در یادگیری دانش آموزان برنامه آموزش فلسفه برای کودک است. برنامه فلسفه برای کودک بیانگر آن است که کودک برای یادگیری به سه نیروی کنجکاوی، تفکر و خلاقیت لازم دارد و داستانهای فکری مقدمه مباحثات گروهی فلسفی است که به کودکان کمک می‌کند بطور جدی راجع به آنچه می‌خوانند تفکر کنند و بحث نمایند و چون این کار در فرایند مطالعه مشترک صورت می‌پذیرد، قدرت خواندن و نوشتن را بالا می‌برد (هدایتی، ۱۳۹۳). فلسفه برای کودک نوعی تعلیم و تربیت است که روش‌ها و محتوای فلسفی و ایده‌های عمل‌گرایانه حلقه کندو کاو را به منظور کسب مهارت‌های تفکر پرورش می‌دهد (بلزی، ۲۰۰۷). نتایج تحقیقات نشان داده که دانش آموزانی که در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان شرکت می‌کنند در دروس دیگر نیز پیشرفت چشمگیری دارند. در این برنامه بر آموزش مهارت‌های تفکر تأکید می‌شود. "دلیل تأکید بر چنین مهارتی، این است که هرچه بیش تر موضوعات خاصی را مطالعه کنید، به همان اندازه از مهارت‌های مشترک انسانی بهره بیشتری می‌برید" (برینک به نقل از: ناجی، ۱۳۹۰).

لیپمن (۲۰۰۸) به صراحت بیان می‌کند که رویکرد او در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان (فبک) با هدف تشویق دانش آموزان به بهبود شیوه تفکرشان در مورد جهان و ارائه فرصت‌های ابراز ایده‌های خود با اعتماد به نفس در فعالیتی که در انجام آن احساس راحتی می‌کنند است. به نظر لیپمن فلسفه برای کودک روشی برای پرورش تفکر استدلالی است که از طریق یک استراتژی ویژه آموزش با عنوان حلقه کندو کاو بافتی را برای تفکر اخلاقی و تعلیمات اجتماعی فراهم می‌سازد. در این حلقه با کاربرد شیوه درگیر کردن کودکان در بحث‌های فلسفی برای پیشبرد هدف‌های اخلاقی و اجتماعی آموزش و پرورش استفاده می‌شود. پیدایش فلسفه برای کودکان بر اساس رهنمودهای دیویی و ویگوتسکی بوجود آمده است که بر ضرورت تعلیم تفکر و تأمل و نفی آموزش صرف حفظ کردن تأکید می‌کردند. در این برنامه تأکید می‌شود که کودکان کافی نیست که فقط آنچه را که به آنها گفته می‌شود به حافظه سپرده و سپس بیاد بیاورند، بلکه آنها باید موضوع مورد نظر را آزموده و تجزیه تحلیل کنند. درست همان طور که فرایند تفکر، پردازش اموری است که کودکان درباره جهان

و از طریق حواس خود یاد می‌گیرند، آنها نیز باید درباره آنچه در مدرسه یاد می‌گیرند، بیاندیشند. حفظ کردن مطالب، یک مهارت فکری کم ارزش و سطح پایینی است؛ به کودکان باید مفهوم سازی، داوری و تمیز امور از همدیگر، استدلال و اموری از این قبیل را یاد داد. برنیفر (۲۰۱۷) معتقد است: "آنچه امروز در ایران بدان نیاز است این است که بیاندیشند که باید به کودکان یاد داده شود که چگونه نگرش فلسفی داشته باشند". آموزش فلسفه برای کودکان بعنوان رویکردی تاملی سبب ایجاد اندیشه ورزی در بین دانش آموزان خواهد بود. مکلود (۲۰۱۰) در پژوهش خود به این نتایج دست یافت که "آموزش فلسفه برای کودک می‌تواند به علت تاکید تسهیل گر بر مفهوم، گفتگو، مشارکت دانش آموزان در ادبیات داستانی، تفکر انتقادی در مورد متن و مفاهیم موجود در آن و مشارکت عاری از اجبار دانش آموزان سبب تسهیل اهداف زبانی شود زیرا می‌تواند فرصتهایی را برای دانش آموزان فراهم نماید تا از زبان مقصد تشویق شوند و چون در مشارکت حضور دارند لذا باید هم فکر کنند وهم ایده‌های خود را به زبان خارجی بیان کنند".

یافته‌های جهانی (۱۳۸۶) نشان داد برنامه آموزش فلسفه به کودکان از توانایی لازم برای رشد مهارت‌های استدلالی بین کودکان ایرانی برخوردار است، می‌تواند از طریق مهارت‌های پژوهشی، به تقویت منش‌های اخلاقی دانش آموزان کمک کند و نیز قادر است در کودکان مهارت‌های ترجمه ای را به صورت مقطعی رشد دهد و از این طریق می‌توان به پرورش ارزش‌ها و رفتارهای مبتنی بر آنها دست یافت. یکی از بهترین راه‌های ارتقای مهارت‌های شناختی، آموزش تفکر صحیح است. شیوه ای که به نوجوانان می‌آموزد چگونه مسائل را تجزیه کنند و به نتیجه منطقی درست برسند. در سایه چنین آموزشی علاوه بر مهارت‌های شناختی می‌توان نوجوانی تربیت کرد که اندیشمند باشد و اندیشه ورزی نماید.

نیاز به ذهنیت فلسفی و استفاده فلسفه و آموزش فلسفه در همه زمینه‌های مربوط به فعالیت تدریس و یادگیری مخصوصا در حوزه واژگان زبان انگلیسی به عنوان یکی از عناصر بنیادین یادگیری زبان انگلیسی اجتناب ناپذیر است. در حال حاضر در کشور ما نیز برنامه آموزش فلسفه (p4c) بنا به توفیقاتش در حوزه‌های مختلف از جمله پرورش مهارت‌های فکری در کودکان، توجه مسوولان آموزشی را به خود جلب کرده است، از طرف دیگر از آنجایی که این برنامه به نقش‌های تغییر یافته ای در رابطه با معلم، قوانین و مدیریت مدرسه نیاز دارد، ضروری است که در ارائه روش‌های تدریس نوین و کاربرد آن در درس زبان انگلیسی تلاش‌های انجام پذیرد. بر اساس شواهد موجود این

پژوهش کوششی است در پاسخ به سؤال زیر است که آیا رویکرد آموزش فلسفه برای کودک (p4c) در مهارت یادگیری واژگان زبان انگلیسی دانش آموزان موثر است ؟

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، نیمه تجربی از نوع پیش آزمون پس آزمون با گروه کنترل و دارای مرحله پیگیری است. جامعه ی مورد مطالعه شامل کلیه دانش آموزان دختر پایه اول متوسطه منطقه ۵ شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ بوده است. چون مقیاس اندازه گیری پیوسته و فرضیه پژوهش یک دامنه است، حجم نمونه در سطح اطمینان ۰/۹۵ طبق فرمول کوکران به شرح زیر محاسبه شد. با بهره گیری از روش نمونه برداری چند مرحله ای تعداد ۶۰ نفر از دانش آموزانی که نمره واژگان مهارت زبان انگلیسی آنها کمتر از حد متوسط بود انتخاب و به حکم قرعه یک گروه به عنوان گروه آزمایش (۳۰ نفر) و یک گروه دیگر تحت عنوان گروه گواه (۳۰ نفر) انتخاب شدند. در مرحله اول از هر دو گروه آزمون پت به عمل آمد و سپس بر روی گروه آزمایش متغیر مستقل (آموزش فلسفه برای کودکان طی ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه ای) انجام شد و گروه گواه هیچ گونه آموزشی را دریافت نکرد. بعد از مداخله در مرحله پس آزمون روی هر دو گروه (آزمایش و گواه) متغیر وابسته (آزمون پت) اجرا شد و یک ماه بعد از مرحله پس آزمون در مرحله پیگیری مجدداً متغیر وابسته (آزمون پت) فقط روی گروه آزمایش اجرا شد.

جهت جمع آوری داده ها از آزمون پت^۱ استفاده شده است. این آزمون براساس چارچوب مشترک سطح بندی زبان های اروپایی (CEF) در سطح متوسط است که از سوی دانشگاه کمبریج و انتشارات آکسفورد به همراه پاسخ نامه تهیه و منتشر شده است. این آزمون توانایی زبان آموزان را در برقراری ارتباطات شفاهی و کتبی روزمره می سنجد. دانشگاه های کشورهای مختلف نیز این مدرک را بعنوان معیاری برای توانایی های ابتدایی انگلیسی زبان آموزان می پذیرند. آزمون پت از سه قسمت تشکیل می شود که طی آن مهارت های نوشتاری و خواندن، شنیداری و گفتاری مورد ارزیابی قرار می گیرد. نه تنها هر چهار مهارت زبان انگلیسی- واژگان، نگارش، گفت، شنود بلکه دستور زبان، واژگان و کاربرد آنها را نیز در موقعیت های واقعی زندگی می سنجد. از ویژگی مهم این آزمون آن است که زبان آموزان برای شرکت در آن می بایست مهارت های عمومی زبان را در حد متوسطه دارا

¹ Preliminary English Test

باشند. این آزمون توسط شرکت بین المللی کمبریج تهیه و تنظیم گردیده است. ضریب پایایی آزمون با استفاده از روش بازآزمایی ۰/۸۵ گزارش شده است. ضریب پایایی آزمون فوق در پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای کرانباخ ۰/۸۹ گزارش شده است.

یافته ها

جهت تحلیل داده ها ابتدا یافته‌های توصیفی مورد بررسی قرار گرفت سپس مفروضه‌های امار پارامتریک مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت با استفاده از روش تحلیل کوواریانس اجرای رویکرد آموزش فلسفه (p4c) بر افزایش مهارت واژگان انگلیسی دانش آموزان مورد بررسی قرار گرفت. که در ادامه مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار نمرات مهارت واژگان زبان انگلیسی دانش آموزان به تفکیک دو گروه گواه و آزمایش در مرحله پیش آزمون و پس آزمون و پیگیری

مرحله	گروه گواه		گروه آزمایش		پیگیری		پس آزمون		پیش آزمون	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
مهارت واژگان	1.90	0.88	3.93	0.64	3.83	0.65	2.10	0.80	2.00	0.83

همانطور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، تفاوت چندانی بین نمرات مهارت واژگان انگلیسی در بین گروه آزمایش و گواه در مرحله پیش آزمون مشاهده نمی‌شود. نمرات کل مهارت واژگان انگلیسی گروه آزمایش در مرحله پیش آزمون برابر با ۱/۹ و کنترل برابر با ۲/۱ می‌باشد که نشان می‌دهد نمرات گروه گواه اندکی بیشتر و بالاتر از گروه آزمایش می‌باشد ولی تفاوت محسوسی بین نمرات مهارت واژگان در گروه گواه و آزمایش در مرحله پس آزمون مشاهده می‌شود. به طوری که میانگین نمرات کلی مهارت واژگان افراد گروه آزمایش به ۳/۹۳ افزایش یافته است. همچنین، تفاوت چندانی بین نمرات مهارت واژگان زبان انگلیسی در بین دانش‌آموزان گروه آزمایش در مراحل پیگیری با مرحله پس آزمون مشاهده نمی‌شود. نمرات مهارت واژگان ۳/۹۳ بوده و تنها به ۳/۸۳ تغییر یافته است. یافته‌های تحقیق براساس فرضیه‌های پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. برای تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهشی باتوجه به ماهیت آنها از آزمون تحلیل کوواریانس بین گروهی و همچنین آزمون t وابسته استفاده شده است ولی ابتدا لازم است نتایج همگنی واریانسها در آزمون لون گزارش شود.

جدول ۲: نتایج آزمون لوین در مورد پیش فرض برابری واریانس نمره‌های آزمودنی‌های مورد مطالعه

متغیر	نوع آزمون	ضریب F	ضریب p
مهارت واژگان انگلیسی	لون	۰/۰۱۱	۰/۹۲
	همگنی شیب‌ها	۰/۱۲۴	۰/۲۳۲

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که در متغیر تحقیق مقدار f در سطح $0/05$ معنادار نیست ($p > 0/05$) بنابراین مفروضه یکسان بودن واریانس‌ها و برابر بودن شیب‌های ارتباطی بین پیش آزمون و پس آزمون در گروه کنترل و آزمایش تایید می‌شود و برای تحلیل فرضیه اول تحقیق می‌توان از آزمون تحلیل کوواریانس بین گروهی استفاده نمود.

جدول ۳: نتایج تحلیل کوواریانس اجرای رویکرد آموزش فلسفه ($p4c$) بر افزایش مهارت واژگان انگلیسی دانش آموزان

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	p	ضریب تغییرات
مهارت واژگان دانش آموزان	.189	1	.189			
گروه	56.042	1	56.042	100.841	0/001	.639
خطا	31.677	57	.556			
کل	616.000	60				

با توجه به اطلاعات جدول ۴ و براساس نتایج آزمون تحلیل کوواریانس اجرای رویکرد آموزش فلسفه (فبک) ر افزایش مهارت واژگان دانش‌آموزان معنی‌دار بوده است ($F = 100/841$ و $P = 0/001$). در ضمن میزان این تفاوت؛ یعنی ضریب تغییرات برابر شده $0/639$ است یعنی حدود $63/9$ درصد از تغییرات در مهارت واژگان گروه آزمایش در اثر اجرای رویکرد آموزش فلسفه برای کودک (فبک) بوده است. بنابراین، نتایج نشان دهنده آن است که اجرای رویکرد آموزش فلسفه (فبک) میزان مهارت واژگان دانش‌آموزان مورد مطالعه را افزایش داده است و این افزایش هم از نظر آماری معنادار می‌باشد ($P < 0/05$). بنا بر شواهد فوق، فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود.

اجرای رویکرد آموزش فلسفه برای کودک (فبک) بر روی مهارت واژگان زبان انگلیسی دانش آموزان در طول زمان از پایداری مناسبی برخوردار است.

جدول ۴: نتایج آزمون t وابسته مهارت واژگان در میان دانش آموزان گروه آزمایش به تفکیک دو مرحله پس از آزمون با پیگیری

مرحله متغیر شاخص	پس از آزمون		پیگیری		آزمون t وابسته	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	نسبت t	Df
مهارت واژگان	3.93	0.64	3.83	0.65	1.795	29
						P
						.083

نتایج حاصل از اجرای آزمون t وابسته در جدول ۴ نشان می‌دهد که نسبت t به دست آمده برای مهارت واژگان انگلیسی برابر با (۱/۷۹) با درجه آزادی ۲۹ حاصل شده است که از جدول t بحرانی (۲/۰۴) کوچکتر است. ($p > 0.05$) در نتیجه مهارت واژگان زبان انگلیسی در میان دانش آموزان گروه آزمایش در مرحله پس از آزمون با مرحله پیگیری تفاوت معنی دار باهم ندارند. لذا می‌توان عنوان نمود اجرای رویکرد آموزش فلسفه (فبک) بر روی مهارت واژگان خواندن زبان انگلیسی دانش آموزان در طول زمان از پایداری مناسبی برخوردار است و فرضیه دوم تحقیق نیز مورد تایید قرار می‌گیرد.

بحث و نتیجه گیری

همچنان که نتایج پژوهش نشان داد رویکرد آموزش فلسفه برای کودک (p4c) به دلیل تغییرات شناختی که بر روی کودک می‌گذارد می‌تواند فراخوانی یادگیری واژگان را در درس زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی افزایش دهد (نیمن پارتیشا^۱، ۲۰۰۷). همچنین این آموزش‌های چون کودک را از لحاظ شناختی درگیر می‌کند و حافظه و باورهای هوشی را به صورت انتزاعی فعال می‌کند موجب تقویت قدرت انتزاع کودک شده و باعث می‌شود فراخوانی حافظه کودک در یادگیری زبان انگلیسی افزایش یابد. از این رو این نتیجه همسو با نتایج و یافته‌های پژوهش نیشن و دیگران (۲۰۰۶) است که خواندن به روش مشارکتی را سبب عملکرد بهتر در زمینه دانش واژگان و واژگان می‌دانند و معتقدند که اجرای رویکرد آموزش فلسفه برای کودک (فبک) بر سواد خواندن و واژگان زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی اثر گذار است. همچنین رشتچی (۲۰۱۲) بیان میدارد که کار گروهی، تفکر هدفمند را در دانش آموزان افزایش می‌بخشد. تعامل معلم و دانش آموز را نیز افزایش می‌بخشد که خود عامل موثری در افزایش مهارت خواندن خواهد شد. صفایی مقدم (۱۳۸۹) بیان کرده است که اجرای برنامه فلسفه برای کودکان در کلاس‌های درس سبب پیشرفت چشمگیر عملکرد یادگیری دانش آموزان است. این تاثیر بر افزایش میزان تمایل به با سواد شدن، افزایش مهارت‌های گوش

¹ Neyman, Patricia

دادن فعال، سوال کردن، خواندن برای فهمیدن، شده است این برنامه سبب شده است که آموزش را به یک آموزش مولد تبدیل کند و دانش آموزان در چرخه تولید دانش حضور مثبت تری بیابند. نتایج پژوهش ساکی (۱۳۸۸) نیز بیانگر آن است که خواندن بصورت انتقادی فرد را با دیدگاههای دیگران آشنا می‌کند، ذهن را پرورش می‌دهد، خلاقیت را گسترش می‌دهد و قدرت تمرکز را افزایش می‌دهد و موجب توسعه لغات می‌شود. در این پژوهش همچنین، استفاده از داستان‌هایی برای فکر کردن یک راه عملی در این زمینه معرفی می‌شود. نتایج پژوهش تقویان (۱۳۹۳) در بیان فلسفه آموزش زبان خارجی، خدا رحمی (۲۰۱۲) در تاکید بر استفاده از متون ادبی جهت افزایش انگیزه خواندن در بین یادگیرندگان زبان انگلیسی به عنوان زبان خارج و همچنین پژوهش‌های پیلگرین (۲۰۱۴)، جبل عاملی (۱۳۹۳)، عبدی (۱۳۹۳)، ناجی (۱۳۹۱)، ناجی و دیگران (۱۳۹۰)، صفایی مقدم و شوشتری (۱۳۹۲)، امی (۱۳۹۲) نیز همسو یا پژوهش حاضر است. نتایج پژوهش قریشی (۲۰۱۲) در بخش تاکید بر افزایش واژگان در زبان انگلیسی همسو با پژوهش حاضر است. نتایج پژوهش رسانی (۲۰۰۶، ۲۰۰۷، ناجی، ۱۳۹۱) نیز نشان داده است که برنامه آموزش فلسفه برای کودک در افزایش یادگیری زبان انگلیسی موثر است. یافته‌های باروا و پانولوس (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که آموزش راهبردها به زبان آموزان سبب افزایش میانگین کمی و کیفی عملکرد افراد و گروهها در ایجاد و بیان و نوشتار عقاید است. پژوهش‌های انجام شده توسط (گرنیو، کالینز، و رسنیک، ۱۹۹۶) و گلکنه و دیگران (۱۹۹۳) در حوزه آموزش زبان انگلیسی نشان داده است که استفاده از راهبردهای شناختی و فراشناختی در افزایش سطح یادگیری واژگان خواندن نقش بسزایی دارد، بررسی مبانی نظری روانشناختی پژوهش حاضر نیز نشان داده است که این رویکرد مبتنی بر نظریه شناختی و فراشناختی است. در راستای نتایج تحقیق حاضر پیشنهاد می‌شود برنامه درسی "تفکر محور" در آموزش و پرورش فراهم گردد و راهکارهای فراشناختی همسو با پژوهش‌های (ان پیلگرین^۱، ۲۰۱۳، موحدیان، ۲۰۱۰ و سجادیه، ۱۳۹۰) مانند مرور، سازماندهی، بسط معنایی و تفکر. مدیران مدارس در صدد ارتقای و پیشرفت کیفیت طرح‌های تربیتی و آموزش معلمان و شیوه اجرای صحیح طرح‌ها برآیند و در درس زبان انگلیسی روش تدریس مبتنی بر رویکرد فلسفه (فبک) پیشنهاد می‌شود و علاوه برآن از روش‌های آموزش فعال با تاکید بر پرورش مهارت تفکر در بین دانش آموزان استفاده شود و از تدریس حافظه محور پرهیز نمایند.

¹ Ann Pilgeren

کتابنامه

- امی، ز (۱۳۹۲). جایگاه تفکر انتقادی در قرآن و مقایسه ی آن با فلسفه برای کودکان ، حوزه علمیه قم باجن، ر، مترجم: ناجی، س(۱۳۹۱). تفکر انتقادی در کلاس درس، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی تقویان، ن (۱۳۹۳). فلسفه آموزش زبان خارجی، رساله دکتری، تهران، دانشگاه خوارزمی.
- رشتچی، م، کیوانفر، ع (۱۳۸۸). مبانی نظری اجتماع کندوکاو به عنوان روش آموزش فلسفه برای کودکان ، تهران ، مجله فرهنگ ، ۶۹ بهار ۸۸، صص ۵۸-۳۹
- سازمان سنجش و آموزش کشور(۱۳۹۳). تهران، پیک سنجش، دی ماه
- ساکي، ر (۱۳۸۸). سواد پژوهشی معلم، تهران، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش
- سجادیه، نسترن (۱۳۹۰). اعتبارسنجی طراحی الگوی نظری فلسفه برای کودک، تهران، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش
- علوی مقدم، ب (۱۳۹۲). سیاست‌های آموزش زبان خارجی در برنامه درسی ملی ، مجله رشد ، دوره ۲۷، شماره ۴
- لیپمن، م، مترجم: اسلامی و سیدی(۱۳۹۰). تفکر در تعلیم و تربیت، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی
- ناجی، س (۱۳۹۱). بررسی تاثیر نظریه‌های فلسفه علم بر شکل گیری برنامه فبک، رساله دکتری، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی
- ناجی، س و دیگران(۱۳۹۰). بررسی و تحلیل برنامه آموزش فلسفه برای کودک با نظر به میزان ابتدای آن بر پراگماتیسم دیویی. مجله تفکر و کودک، ۲(۲)
- هدایتی، م (۱۳۹۳). به کودکان اعتماد کنیم. تهران ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Ann Pilgeren, (2013). Socrates in the classroom, Rational & Effect of philosophizing with children. D diss. Stockholm university

Fostering Advanced level EFL learner, s Reading Motivation & Comprehension. Ghomeshi, Amir,2012, AllamehTabatabai University

Movahedian, M. (2010), A Comparative Study of English Policies, Assessment Procedures Training Programs in Iran, China & Singapore, A Thesis Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of M.S in TELF in Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Lipman, Mattew, A life Teaching Thinking,)2008(, Montclair State University

Bleazy, J. (2007). Reconstructing Gender in the philosophy for children program, paper presented at the Australian Association of Research in Education conference, university of Notre Dame, Western Australia.

Barva & panolous (2008). Teaching philosophy to children for increasing their English word deposit. Journal of intelligence and memory 6.1. P102-123

Rosnani Hashim(2007)Intellectualism in higher Islamic Traditional studies; Implication for the curriculum, American journal of Islamic sciences, pages: 92-110

Rosnani Hashim, 2006, critical thinking & Reading Skills, Thinking: journal of p4c, 2006, 18(2), 26-37

Neyman, Patricia F (2002). Helping Children Learn to Think in English through Reading Storybooks, The Internet TESL Journal, Vol. VIII, No. 8, August 2002, <http://iteslj.org>

Nation, I, s, p, (2006) 'How large a vocabulary is needed for reading and listening? Canadian Modern Language REVIEW63 (1); 59-82. (A key article outlining current thinking on the vocabulary size requirements for using English.

